

رفع چالش های تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی در حقوق ایران با استفاده از احکام مشارکت (پارتنرشپی) در حقوق انگلیس

حمیدرضا اقدس طینت^۱، محمد عیسانی تفرشی^{۲*}، مرتضی شهبازی نیا^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۳

دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۱

چکیده

در شرکت مدنی که در نظام حقوقی ایران فاقد شخصیت حقوقی و مسؤولیت شرکا در مقابل اشخاص ثالث، مطابق دیدگاه رایج، مسؤولیتی نامحدود است؛ هر شریک به تناسب سهم خود در شرکت در مقابل دیون نسبت به اشخاص ثالث، مسؤولیت دارد. از طرف دیگر در شرکت

Email: Tafreshi@modares.ac.ir

* نویسنده مسؤول مقاله:

مدنی تقسیم سود و زیان میان شرکا نیز در صورت اطلاق، به نسبت سهم ایشان در شرکت، صورت می‌گیرد. صرف نظر از اینکه برای شرکا این امکان فراهم باشد در تقسیم سود و زیان بین خود به نحو دیگری عمل کنند یا نه، به اعتقاد نگارندگان آنچه در فقه و قانون در باب تقسیم بر مبنای سرمایه مقرر شده، ناظر بر همین فرض اخیر است و مسأله نخست یعنی مسئولیت شرکا در قبال اشخاص ثالث، تنها در حالت اطلاق، به نسبت سرمایه شرکا و به صورت نامحدود صورت می‌گیرد ولی تحدید این مسئولیت، به علت فقدان شخصیت حقوقی شرکت مدنی تابع قواعد عام در زمینه تحدید مسئولیت اشخاص است، و در صورت عدم مغایرت با قواعد آمره، بلامانع و صحیح است. بدیهی است چنین امری در تمایل و رغبت اشخاص برای مشارکت با یکدیگر در قالب شرکت مدنی بسیار مؤثر است. البته باز هم مشکلاتی در راستای تحقق این هدف وجود دارد چرا که بر این اساس تحدید مسئولیت در قبال اشخاص ثالث، منوط به توافق با ایشان است؛ لذا نمی‌توان در مواردی که توافق با ثالث صورت نگرفته و نیز در مسئولیت غیر قراردادی قائل به آن شد. لزوم چنین توافقی و عدم امکان استناد به تحدید مسئولیت در الزامات خارج از قرارداد، مانع و چالشی در مقابل شرکای شرکت مدنی محسوب می‌شود و توجیه‌گر استفاده از راه‌های دیگر مانند بهره‌گیری از احکام نهادهایی چون مشارکت (پارتنرشپ) با مسئولیت محدود و مشارکت (پارتنرشپ) محدود است که حسب مورد چنین قابلیت‌هایی را برای اشخاص فراهم آورد. در این مقاله به تبیین این راه‌ها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: شخصیت حقوقی، شریک عادی (عمومی)، شریک با مسئولیت محدود، تحدید مسئولیت قراردادی، تحدید مسئولیت غیر قراردادی.

۱. مقدمه

شرکت مدنی در حقوق ایران فاقد شخصیت حقوقی است، مالکیت آورده‌ها در اختیار شرکا باقی می‌ماند و خود شرکت که برخلاف شرکت تجاری، فاقد شخصیت مستقل از شرکاست؛ بر اموال، حق مالکیت ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۹-۱۰). همچنین اگر در مقابل اشخاص ثالث، تعهدی ایجاد شود، این تعهد نه بر عهده شرکت، که بر عهده



خود شرکاست. شرکت مدنی به دلیل فقدان شخصیت حقوقی اساساً نمی‌تواند مسؤول به حساب آید؛ زیرا شخصیت، وصف و شایستگی شخص برای صاحب حق و تکلیف شدن است (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۹۵، ص ۹) و مسؤولیت نوعی تکلیف به شمار می‌آید و نیازمند شخصیت است؛ درحالی که شرکت مدنی شخصیت حقوقی ندارد؛ بنابراین سخن از مسؤولیت در برابر ثالث در شرکت مدنی، چیزی جز مسؤولیت فرد فرد شرکا در مقابل اشخاص ثالث نیست و طبعاً اگر بخواهیم تحدید مسؤولیت را در شرکت مدنی، بررسی کنیم باید به بررسی امکان تحدید مسؤولیت اشخاص به طور کلی در برابر ثالث بپردازیم. از همین رو در انتخاب عنوان مقاله از انتخاب عبارت «تحدید مسؤولیت شرکت مدنی» پرهیز، و عبارت «تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی» را انتخاب کرده‌ایم.

در فقه (محقق، ۱۳۷۷ق، ص ۱۳۲؛ کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۲۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۳۲۴؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۱۱-۳۱۴) و در ماده ۵۷۵ قانون مدنی تصریح شده است که تقسیم سود و زیان میان شرکا در شرکت مدنی به نسبت سهم ایشان صورت می‌پذیرد. ماده ۵۷۵ ق.م.مقرر داشته است: «هریک از شرکا به نسبت سهم خود در نفع و ضرر سهیم می‌باشد، مگر اینکه برای یک یا چند نفر از آنها در مقابل عملی سهم زیادتری منظور شده باشد». دراینکه آیا شرکا می‌توانند با توافق بین خود ترتیب دیگری بدهند، اختلاف نظر وجود دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۱۸). ظاهراً مفهوم مخالف ذیل ماده ۵۷۵ این است که اگر یکی از شرکا عمل زیاده‌ای در شرکت انجام ندهد، چنین شرطی ممکن و معتبر نیست. عده‌ای از فقها و حقوقدانان چنین نظری داده‌اند (محقق، ۱۳۷۷ق، ص ۱۳۲؛ محقق کرکی، ج ۸، ص ۲۴؛ صاحب ریاض، ج ۹، ص ۳۲۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۱۱-۳۱۴؛ ابوالصلاح به نقل از همان؛ شهیدثانی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۲ و امامی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۴) و در مقابل عده ای آن را نافذ شمرده (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۲۷؛ صاحب جواهر، ۱۹۸۱م، ج ۲۶، ص ۳۰۲-۳۰۳).

۳۰۰؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۰۱-۷۰۲؛ مامقانی در مناہج المتقین، به نقل از: کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۱۸) و از جمله در خصوص چنین شرطی، پس از بیان اختلاف نظرها، اظهارداشته‌اند: «نفوذ آن بر مبنای ماده ۱۰ ق.م. ترجیح دارد». (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۴۰۸).

به نظر می‌رسد مسؤولیت در قبال اشخاص ثالث نیز نوعی زیان وارد بر شرکا در شرکت مدنی است؛ زیان را می‌توان از دست دادن آنچه دانست که انسان واجد است ... عدم‌النفع هم اگر مقتضی آن تمام و کامل باشد، زیان به حساب می‌آید (نائینی، بی-تا، ص ۱۹۸؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶). مسؤولیت و دین در قبال ثالث نیز مشمول این تعریف است و بنابر آنچه گفته شد زیان به حساب می‌آید؛ لذا در صورت عدم توافق میان شرکا، مسؤولیت در قبال دیون به نسبت سرمایه انجام می‌شود؛ اما در صورت توافق مغایر، هر شریک طبق توافق صورت گرفته، مدیون خواهد شد.

یکی از پرسش‌هایی که در اینجا مطرح می‌شود این است که این توافق نسبت به اشخاص ثالث نیز قابلیت استناد دارد یا تنها در روابط میان خود شرکا معتبر است؟ و نکته دیگر تفاوت تحدید مسؤولیت در قبال اشخاص ثالث با فرض قبل است. در توضیح این تفاوت باید توجه کرد در فرض قبل، میان شرکا توافقی صورت گرفته که تقسیم سود و زیان میان آنها بر طبق توافقشان صورت گیرد و در هر حال-چه این توافق نسبت به ثالث مؤثر باشد یا نباشد- در اصل مسؤولیت نامحدود مجموع شرکا در برابر ثالث، تغییری حاصل نمی‌شود. یعنی جمع شرکا (شرکت مدنی) نسبت به اشخاص ثالث، مسؤول پرداخت تمام بدهی است که ممکن است تقسیم این مسؤولیت بین شرکا، به نسبت سرمایه یا بنا به توافق خودشان باشد. اما موضوع فرض دوم این است که آیا مسؤولیت شرکا در قبال ثالث می‌تواند از حالت نامحدود خارج شود و در نتیجه اشخاص ثالث بیش از مبلغ معینی حق رجوع به هیچ یک از شرکا نداشته باشند یا خیر. فرض اخیر بیانگر تحدید مسؤولیت در قبال اشخاص ثالث در شرکت



مدنی است و درخصوص محدود ساختن این مسؤولیت دو مسأله مطرح می شود: یکی امکان و دوم چگونگی آن.

در رابطه با این فرض پرسشهای دیگری هم مطرح می شود: آیا شرط تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی به نحوی که مسؤولیت شرکا حتی از سرمایه شرکت هم کمتر باشد معتبر است یا خیر؟ نحوه این تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی چگونه است؟ آیا برای محدودسازی مسؤولیت، مورد به مورد نیاز به توافق با اشخاص ثالث وجود دارد یا شرکا می توانند با گنجاندن این شرط ضمن شرکتنامه به تحدید مسؤولیت خود در قبال اشخاص ثالث استناد کنند؟ برای محدود شدن مسؤولیت در خسارات غیر قراردادی چه راههایی در حقوق ایران قابل تصور است؟ و به طور کلی در راستای اهداف مزبور چه محدودیتهایی در سازوکارهای قانونی فعلی وجود دارد و برای رفع آن چه پیشنهادهایی می توان ارائه داد؟

در این مقاله به منظور یافتن پاسخ پرسشهای فوق در نظام حقوقی ایران، به تحلیل تحدید مسؤولیت به طور کلی، تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی، چالشهای این امر و ارائه راهکار برای رفع آن با استفاده از احکام مشارکت (پارتنرشپ) در حقوق انگلیس پرداخته ایم.

۲. تحدید مسؤولیت به طور کلی

در اینجا پرسش این است که یک شخص-خواه شریک در شرکت مدنی یا غیر آن و خواه شخص حقیقی یا حقوقی- می تواند مسؤولیت خود را در مقابل اشخاص ثالث محدود کند یا خیر. لازم به توضیح است مسؤولیت کلیه اشخاص در برابر ثالث اصولاً مسؤولیتی نامحدود (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۹۵، ص ۱۶-۱۸) و تحدید آن نیازمند دلیل است. حتی مسؤولیت شرکتهای تجاری که شخص حقوقی محسوب می-

شوند -چه شرکتهای اشخاص و چه شرکتهای سرمایه- در قبال اشخاص ثالث، مسؤولیتی نامحدود است. شرکت تجاری (حتی اگر از شرکتهای دارای مسؤولیت محدود یا به اصطلاح شرکتهای سرمایه باشد) به عنوان یک شخص در برابر اشخاص ثالث مسؤولیت دارد و این مسؤولیت اصولاً محدود به میزان و مبلغی خاص نیست که شرکت در قبال اشخاص ثالث تنها تا این مبلغ مسؤول باشد. به همین دلیل اگر این شخص سودهایی به دست آورد و به دارایی‌اش افزوده شود، این سودها نیز متعلق حق طلبکاران شرکت قرار می‌گیرد و قبل از تقسیم میان شرکا بایستی بدهیهای شرکت از آن پرداخته شود (مواد ۲۱۶-۲۱۵ ق.ت. ۱۳۱۱ و مواد ۲۳۷-۲۴۰ و ۲۲۳-۲۲۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷) اما در شرکتهای اشخاص، شرکا متعهد شده‌اند در صورتی که شرکت در وضع ورشکستگی قرار گرفت، نسبت به مازاد بدهیها از اموال شخصی خود، این دیون را پرداخت کنند، آن هم پس از انحلال شرکت (مواد ۱۲۴، ۱۷۴ و ۱۸۷ ق.ت)؛ وگرنه در این شرکتها هم در زمان فعالیت، شرکت خودش مسؤولیت دارد و این مسؤولیت محدود به مبلغی معین نیست. در شرکتهای سرمایه مسؤولیت خود شرکت محدود به مبلغی معین نیست، اما در صورت ورشکستگی شرکت، طلبکاران نمی‌توانند طلب خود را از شرکا مطالبه کنند. چنین چیزی طبق قاعده کلی است.

بنابراین مسؤولیت تمامی اشخاص حتی شرکتهای سرمایه طبق قاعده مسؤولیتی نامحدود است و پرسش اصلی این قسمت این است که آیا امکان تحدید مسؤولیت اشخاص وجود دارد یا نه.

باید گفت چنانچه تحدید مسؤولیت با توافق با طرف مقابل صورت گیرد، منعی بر آن وجود ندارد و تا آنجا که با قواعد آمره مخالفت نداشته باشد نافذ است. این مورد از یک جهت مشمول عموماتی چون «المؤمنون عند شروطهم» قرار می‌گیرد (که البته در نسخه‌های دیگر «المسلمون عند شروطهم» نیز آمده یا در برخی نقل قولها در ادامه آن بیان شده «إلا كل شرط أهل حراماً أو حرم حلالاً» (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰،



ص ۲۸۷-۲۸۹)، از جهت دیگر قواعدی چون «امکان تعیین مبلغ مقطوع خسارت در قرارداد» (ماده ۲۳۰ ق.م؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲-۱۴۴)، و «امکان اسقاط ضمان درک» (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵) می‌تواند به عنوان مؤید این امر مورد استناد واقع شود. این موارد همگی نمونه‌هایی است که شرط معافیت از مسؤولیت یا تحدید آن را در حقوق ایران پیش‌بینی کرده است. در ادامه به یکی از موجبات تغییر مسؤولیت یعنی شرط کاستن از مسؤولیت-که به دوشکل شرط تحدید مسؤولیت و شرط عدم مسؤولیت قابل تصورات- از منظر فقهی و حقوقی می‌پردازیم.

۲-۱. از نظر فقهی

در فقه برخی شرط کاستن و عدم مسؤولیت را منزله ابراء می‌دانند و در نتیجه معتقدند این امر تنها وقتی صحیح است که دینی موجود باشد. پس شرط عدم مسؤولیت، نسبت به دینی که هنوز به وجود نیامده ابراء مالم یجب و باطل است (شهید ثانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰ در بیان یکی از دو احتمال؛ صاحب جواهر، ۱۹۸۱م، ج ۲۷، ص ۱۸۸). برخی این استدلال را قبول ندارند. شهید ثانی صحت چنین شرطی را قوی‌تر دانسته (شهید ثانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰؛ شهید ثانی، بی تا، ص ۶۲۸-۶۲۹)، علامه حلی نیز شرط سقوط ضمان (نوعی شرط کاستن مسؤولیت) را درعاریه مضمونه صحیح دانسته است (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۲۷۶).

به نظر می‌رسد ماهیت حقوقی ابراء با شرط عدم مسؤولیت متفاوت و شرط عدم مسؤولیت (برخلاف ابراء) همیشه متوجه آینده است؛ لذا ایراد مالم یجب بودن ابراء در این خصوص وارد نیست؛ بنابراین ضرورتی ندارد دین موجود باشد.

۲-۲. از نظر حقوقی

از نظر حقوقی، به جز مسائل فوق، اشکال دیگری که برخی مطرح کرده‌اند احتمال مخالفت چنین شروطی با نظم عمومی و فراهم شدن زمینه سوء استفاده در پناه شرط تحدید مسؤلیت و امکان فریب و کلاهبرداری از این طریق است که در پاسخ به این اشکال هم می‌توان گفت تاجایی که اضرار عمدی و از روی سوء نیت وجود نداشته باشد، بلکه هدف از این شرط تنها مصونیت از زیانهای ناشی از خطرات احتمالی باشد، شرط تحدید مسؤلیت مغایرتی با نظم عمومی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵). اگر کاستن مسؤلیت، خلاف نظم عمومی بود، شخص زیان‌دیده حتی پس از ورود خسارت نیز نمی‌توانست از طرح دعوی مطالبه خسارت صرف نظر کند درحالی‌که در امکان این امر تردیدی وجود ندارد (بهرامی احمدی ۱۳۸۶، ص ۱۴۹-۱۵۰).

مشابه همین دیدگاه در شرط سقوط ضمان درک نیز دیده می‌شود. ضمان درک در بیع نیز نوعی مسؤلیت بوده که ممکن است در آینده بردوش یکی از طرفین عقد قرارگیرد. شرط سقوط ضمان درک، شرط عدم چنین مسؤلیتی به حساب می‌آید. در مورد این شرط از لحاظ حقوقی تاجایی که با تدلیس، سوء نیت، عمد، قصد فریب و کلاهبرداری و به طور کلی مغایر با قواعد امری و اخلاق حاکم بر معاملات نباشد آن را معتبر و نافذ دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵). بنابراین شرط تحدید مسؤلیت به طور کلی قابل پذیرش است.

در مورد شرط تحدید مسؤلیت (ونه نفی کامل آن) باتوجه به ماده ۲۳۰ ق.م. تردید کمتری وجود دارد و از حیث قانونی با اشکال خاصی مواجه نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۶-۱۱۵). البته مغایر با قواعد آمره از طریق قرارداد خصوصی قابل توافق نیست. همچنین اگر مبلغی که طرفین در خصوص میزان مسؤلیت، بر آن توافق نموده‌اند باتوجه به اهمیت قرارداد آنچنان ناچیز باشد که عرف آن را در حکم شرط



عدم مسؤولیت بدانند، تابع فرض پیشین یعنی شرط عدم (ونه تحدید) مسؤولیت خواهد بود واحکام آن در موردش اجرا می‌شود (بهرامی احمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳). نتیجه کلی اینکه درحقوق فعلی، به جز مواردی که برخلاف قواعد امری باشد، شرط تحدید یا عدم مسؤولیت باتوجه به قواعد عمومی و مواد ۱۰، ۲۱۹ و ۴۳۶ قانون مدنی معتبر ولازم الاجراست (بهرامی احمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰-۱۵۱). پس ضابطه کلی این است که در صورت ورود زیان، عامل زیان باید به میزان خسارتی که وارد کرده است، جبران خسارت کند. این ضابطه کلی درموارد متعددی دستخوش تغییر می‌شود ازجمله در بیمه مسؤولیت، تعیین وجه التزام، ونیز شرط کاستن یا افزودن میزان مسؤولیت. موارد یادشده را می‌توان تماماً زیر عنوان تغییرمسؤولیت‌های قراردادی طبقه‌بندی کرد. تغییرمسؤولیت نیز فقط درمسؤولیت قراردادی قابل تصور وتوجیه است نه درمسؤولیت خارج ازقرارداد، و همین امر از مهمترین عواملی است که موجب توجه به مقررات مشارکت در انگلیس برای رفع چالشهای تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی می‌شود.

۳. تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی

چون شرکت مدنی فاقد شخصیت حقوقی مستقل است، اگر در مورد مسؤولیت آن نسبت به ثالث سخنی به میان آید منظور مسؤولیت فردفرد شرکا در برابر اشخاص ثالث است. منظور از تحدید مسؤولیت شرکت مدنی نیز تحدید مسؤولیت فردفرد شرکاست و در بخش قبل در مورد احکام آن توضیح داده شد که مشمول قواعد عامی قرار می‌گیرد که تحدید مسؤولیت را در حقوق ایران، تجویز کرده وتا جایی که مخالف قواعد امری نباشد نافذ است، اما موارد مغایر با نظم عمومی و اخلاق، نظیر

موردی که همراه با سوء نیت و تدلیس باشد و نیز تجویز ایراد عمدی خسارت، برطبق قواعد کلی نافذ نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵).

نتیجه تحلیل مزبور این است که ممکن است در شرکت مدنی یک شریک باتوافق با شخص ثالث، شرط تحدید مسؤلیت یا شرط عدم ضمان کند درحالیکه سایر شرکا توافقی باشخص ثالث نکرده باشند ومسؤلیتشان طبق قاعده کلی به نسبت سرمایه وبه نحو نامحدود باشد؛ یا یک شریک بایک شخص توافق بر تحدید مسؤلیت کند درحالیکه در برابر شخص ثالث دیگر، مسؤلیت نسبی (نامحدود) داشته باشد. البته ممکن است یکی از شرکا با اخذ نمایندگی از سایر شرکا، به نیابت از ایشان باشخص ثالث توافق کند که مسؤلیت تمام شرکا محدود به مبلغی معین باشد. بنابراین در حال حاضر تنها راه ممکن برای تحدید مسؤلیت در شرکت مدنی، توافق با اشخاص ثالث است که یا یک شخص به وکالت و یا تمام شرکا به اصالت چنین توافقی انجام می‌دهند؛ اما استفاده از پیشنهادهای موجود در بخشهای بعد مقاله، می‌تواند در تسهیل این امر، مؤثر باشد.

حال به بررسی شرط تحدید مسؤلیت شرکا از نظر فقهی و حقوقی به طور خاص در شرکت مدنی می‌پردازیم:

۳-۱. از نظر فقهی

علاوه بر دلایل مذکور در بخشهای پیشین (عمومات مورد استناد در تحدید مسؤلیت)، بادقت درآرای فقها -شیخ طوسی، ابن ادریس، ابن زهره وجماعتی از فقها- (صاحب جواهر، ۱۹۸۱م، ج ۲۶، ص ۳۰۰؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۷۳به بعد) مشخص می‌شود آنچه درخصوص مشارکت شرکا در شرکت مدنی به نسبت سرمایه گفته شده مربوط به تقسیم سودوزیان میان خود آنهاست ودرمورد مسؤلیت در برابر اشخاص ثالث به نظر می‌رسد از لحاظ فقهی الزامی به مشارکت شرکا به نسبت سرمایه ایشان وجود ندارد. پس اولاً ممکن است شرکا به گونه‌ای



دیگر برای تقسیم مسؤولیت در برابر اشخاص ثالث میان خود توافق کنند. ثانیاً ممکن است با توافق شرکا با اشخاص ثالث به تحدید مسؤولیت در برابر ایشان مبادرت شود و این نکته با آنچه در خصوص تقسیم زیان شرکای شرکت مدنی بیان شده، منافاتی ندارد. از همین رو در استفتائات به عمل آمده درباره تحدید مسؤولیت شرکا در برابر اشخاص ثالث، برخی فقهای معاصر برای این مورد منعی قائل نشده‌اند که به مواردی از آن اشاره می‌شود: پاسخ آیت الله مکارم شیرازی (شماره سؤال ۹۳۰۷۱۳۰۰۴۳ مورخ ۱۷ مهر ۱۳۹۳): «در صورتی که به طور جدی توافق کنند مانعی ندارد»، مرحوم آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی (شماره سؤال ۰۰۱۰۷۴۵ مورخ ۱۸ آبان ۱۳۹۳): «شرکای شرکت مدنی می‌توانند با شخص ثالث مربوط توافق کنند و حد مسؤولیت و ضمان خود را محدود کنند. البته این تحدید مسؤولیت نباید مسؤولیت سایر شرکا را اضافه کند، مگر آنکه سایر شرکا چنین توافقی را بپذیرند»؛ و آیت الله سید موسی شبیری زنجانی (شماره سؤال ۱۴۰۳۲ مورخ ۲۹ فروردین ۱۳۹۴): «شرط مذکور جایز است» (به نقل از عیسائی تفرشی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۳).

تحدید مسؤولیت شرکا نسبت به اشخاص ثالث به علت فقدان شخصیت حقوقی شرکت مدنی، تابع احکام تحدید مسؤولیت شخص حقیقی منفرد در برابر شخص ثالث است و تا آنجا که به قواعد امری خدشه ای وارد نکند، معتبر است. این مطلب با نظرات فقهی ابراز شده مطابقت دارد.

در صورت تحدید مسؤولیت، تا جایی که یک شریک به طور کامل از مسؤولیت (که در حقیقت نوعی از زیان است) معاف نشود، چنین توافقی معتبر است اما معافیت کامل یک شریک از مسؤولیت طبق نظر غالب با ذات شرکت منافات دارد، اگرچه برخی آن را صحیح می‌دانند (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۷۹؛ یزدی، ۱۳۴۸ق، ص ۲۸۳). چنانچه میزان مسؤولیت مورد توافق برای یک یا چند نفر از شرکا، به قدری ناچیز

باشد که عرف آن را عدم مسئولیت محسوب کند، نیز باید فرض را تابع شرط عدم مسئولیت شریک دانست (بهرامی احمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳).

۳-۲. از نظر حقوقی

باتوجه به توضیحات قبل و اینکه تحدید مسئولیت در شرکت مدنی، مشمول قواعد کلی تحدید مسئولیت اشخاص است، معلوم می‌شود این عمل از لحاظ حقوقی منعی ندارد (عیسائی تفرشی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۳).

ممکن است در شرکت مدنی با شخص ثالث جهت تحدیدمسئولیت توافق نشود اما در شرکتنامه به مسئولیت محدود شرکا تصریح شود. چنین تصریحی را نباید نسبت به ثالث مؤثر دانست. توافق بعدی شرکا بین خود برای تغییر در مسئولیت نیز نسبت به ثالث اعتبار ندارد. مبنای این سخن را می‌توان حفظ حقوق اشخاص ثالث واصل نسبی بودن قراردادهای دانست و بر همین اساس می‌توان گفت توافق بعدی شرکا برای تغییر درمسئولیت خود، تنها بین خود شرکا معتبر است و قابلیت استناد در برابر اشخاص ثالث ندارد. این نتیجه با توجه به اصول و ضوابط کلی اعتبار قراردادهای نسبت به طرفین، حاصل می‌شود.

باتوجه به مطالب بیان شده درباب تحدید مسئولیت و شمول عمومات نسبت به آن، در صورت توافق بین اشخاص، ممکن است همین مسئولیت محدود هم به گونه‌ای بین شرکا تقسیم شود که الزاماً متناسب با میزان سرمایه نباشد. همچنین می‌توان میزان مسئولیت را به جای مبلغ سرمایه، محدود به مبلغی دیگر (بیشتر یا کمتر از آن) دانست یا حتی شرط عدم مسئولیت کرد. تمام این فروض تابع قواعد عمومی و تاجایی که با قواعد آمره و مرتبط بانظم عمومی در تعارض نباشد، معتبر است.



۳-۳. مزایا

مسؤولیت شرکا در شرکت مدنی اصولاً مسؤولیتی نامحدود و به نسبت سرمایه آنهاست. این مسؤولیت نامحدود، شرکا را تا مبلغی نامشخص در معرض دیونی قرار می‌دهد که ممکن است بر ذمه شان مستقر شود و چه بسا ایجاد این دین نه ناشی از عمل خود شخص، بلکه به جهت اعمالی باشد که شریک او انجام داده است؛ لذا مسؤولیت نامحدود چندان خوشایند شرکا نیست. محدود شدن مسؤولیت شرکا تا مبلغی معین برای شرکای شرکت مدنی ایجاد آسودگی خاطر می‌کند که با فراغ بیشتر به سرمایه‌گذاری در قالب شرکت مدنی بپردازند و ممکن است باعث افزایش سرمایه‌گذاریهای اشخاص در این قالب شود و در توسعه فعالیت‌های اقتصادی و رونق کسب و کار مؤثر باشد.

۳-۴. چالشها

تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی، اگرچه از لحاظ حقوقی امکان پذیر است، اما به واسطه فقدان شخصیت حقوقی، پیش‌بینی این امر بین شرکا در شرکت‌نامه یا جای دیگر صرفاً توافقی بین خود شرکاست و نمی‌تواند نسبت به ثالث قابل استناد باشد. برای تحدید مسؤولیتی که در برابر ثالث قابل استناد باشد، توافق موردی و جداگانه با تمامی اشخاص ثالث ضروری است. همچنین پذیرش آن در مسؤولیت غیر قراردادی امکان‌پذیر نیست، چراکه در اینجا توافق با شخص ثالث (زیان‌دیده) صورت نگرفته است. پس ضروری است برای این چالشها نیز تمهیداتی اندیشیده شود. در بخش بعد در این مورد بیشتر بحث خواهد شد.

همچنین اگر میزان مسؤولیت بعداً با توافق بین شرکا تغییر یابد، این تغییر نمی‌تواند در برابر ثالث قابل استناد باشد. راه تحدید مسؤولیت توافق با اشخاص ثالث به

صورت موردی است، نه اینکه باتوافق شرکا باهم، بتوان مسئولیت آنها را محدود کرد. در مواردی که شرکا اقدام به ثبت شرکت کرده‌اند، اگر پس از ثبت، میزان مسئولیت خود را محدود کنند یا در نحوه مسئولیت خود تغییری بدهند این توافق نسبت به اشخاص ثالث تأثیری ندارد، مگر اینکه شرکا جداگانه با شخص ثالثی توافق کرده باشند که در این صورت تنها نسبت به همین شخص مؤثر است.

۴. بهره‌گیری از احکام مشارکت (پارتنرشپ) در حقوق انگلیس برای

رفع چالش‌های تحدیدمسئولیت در حقوق ایران

یک نهاد حقوقی که درکامن‌لا درکنار نهاد شرکت^۱ برای فعالیتهای اقتصادی و بازرگانی مورد استفاده قرار می‌گیرد نهاد مشارکت (پارتنرشپ) است. عناصر اصلی در تعریف پارتنرشپ عبارت است از: کسب وکار، اداره اشتراکی و قصد انتفاع (Morse, 2015, p.1). مشارکت اصولاً باید با مداخله تمام شرکا اداره شود هرچند این مداخله به صورت اداره محدود باشد^۲. به استثنای مشارکت محدود که در آن شرکای محدود مداخله‌ای در اداره ندارند. طبق عرف قضایی انگلیس^۳ در صورت وجود این عناصر اساسی، عنصر دیگری در تحقق مشارکت ضرورت ندارد.^۴ بحث تفصیلی از اوصاف این نهاد، قابلیت‌های آن و تفاوت‌های آن با نهاد شرکت^۵، خارج از موضوع این مقاله است. در اینجا فقط باتوجه به کاربردهای احکام این نهاد حقوقی در تحقق هدف تحدیدمسئولیت در شرکت مدنی تاحدی که در این زمینه کمک کننده باشد، به این نهاد حقوقی می‌پردازیم.

1. company

2. *Rowlands v Hodson* [2009] EWCA 1025

3. *Dollar Land (Cumbernauld) Ltd v CIN Properties Ltd*

4. *Dollar Land Ltd v. CIN Properties Ltd* 1996 SLT 186, CS (OH).

۵. مزایایی چون انعطاف مقررات مالی و اساسی، و نیز مالیات و مزایای اختفا.



نهاد مشارکت (پارتنرشپ) در کامن لا و از جمله در حقوق انگلیس دارای اقسامی است که از جنبه‌های مختلف وبه ویژه مسؤولیت اعضا با هم تفاوتی دارند. نوع عادی مشارکت فاقد شخصیت حقوقی است که اعضای آن در قبال دیون و تعهدات مسؤولیت مشترک و گاه تضامنی دارند (Articles 1&9-12 of 1890 Act). مشارکت اصولاً فاقد شخصیت است و خودش رابطه‌ای میان اشخاص محسوب می‌شود. با این حال در حقوق انگلیس برای آن نوعی شخصیت عملی در نظر گرفته‌اند و از جمله می‌تواند دارای اسم باشد؛ یا اموال شرکا که در این راستا سرمایه‌گذاری کرده‌اند به عنوان دارایی پارتنرشپ محسوب می‌شود (*Reform of Partnership Law: The Economic Impact*, April 2004).

قانون پارتنرشپ ۱۸۹۰ بین ماهیت مسؤولیت شرکا در قبال دیون و تعهدات در یک سو و نسبت به زیانهای قهری^۱، جرایم و سایر خطاها از سوی دیگر، تفاوت آشکاری قائل شده. بخش ۹ این قانون مقرر داشته هر شریک در بنگاه در قبال دیون و تعهدات بنگاه که در زمان شراکت او تحمیل شده مشترکاً^۲ با سایر شرکا مسؤول است. از جهت دیگر بخش ۱۲ مقرر داشته هر شریک طبق بخشهای ۱۰ و ۱۱ متضامناً با سایر شرکا برای هر امر که بنگاه در زمان شراکت او مسؤول شده؛ مسؤول خواهد بود. باید توجه داشت مسؤولیت مشترک^۳ در اینجا با مسؤولیت نسبی در حقوق ایران تفاوت دارد و در مسؤولیت مشترک نیز شریک مسؤول پرداخت کلیه دیون است؛ لذا این پرسش به میان می‌آید که تفاوت این نوع مسؤولیت، با مسؤولیت تضامنی^۴ در چیست.

1. torts
2. jointly
3. joint liability
4. joint and several liability

فرق این دو نوع مسئولیت این است که اگر مسئولیت، مشترک باشد خواهان فقط یک سبب طرح دعوا^۱ علیه تمام شرکا نسبت به هر دین یا قرارداد می‌تواند داشته باشد. در پرونده‌های^۲ آثار این امر تشریح شده است. در این پرونده طلبکار علیه تمام اعضای آشکار^۳ بنگاه طرح دعوا کرد. او نتوانست تمام طلب را وصول کند و زمانی که متعاقباً فهمید شریک ثروتمند پنهان^۴ وجود دارد تصمیم گرفت علیه او طرح دعوا کند تا بقیه دین پرداخت شود. مجلس اعیان تصمیم گرفت چون دین، فقط یک دین مشترک بوده و او شرکای ظاهری را برای طرح دعوا انتخاب کرده است نمی‌تواند دعوایی تازه علیه شریک دیگر طرح کند. درحالی که چنین محدودیتی در مسئولیت موجود در بخش ۱۲ که مسئولیت تضامنی است و هر شریک ممکن است تا پرداخت کامل تحت تعقیب قرار گیرد، اعمال نمی‌شود. در این مورد خواهان هرگز به خوانده-هایی که انتخاب کرده محدود نمی‌شود.

بی‌عدالتی تصمیم در پرونده‌های^۵ تا حدی با الزام به افشای نام شرکا، و تا حدی با قواعد عملی که طلبکاران را مجاز به تهیه لیست شرکا در شرایطی خاص می‌سازد، جبران شد (Morse, 2015, P.150); اما در نهایت تا جایی که مسئولیت مدنی مربوط است این امر به بخش ۳ قانون مسئولیت مدنی (سرمایه گذاری) ۱۹۷۸ سپرده شده، که مقرر می‌دارد: دادرسی در مورد شخص مسؤول در قبال دیون یا خسارات، مانع طرح دعوا یا مانع از استمرار دعوا علیه هر شخص که مشترکاً مسؤول با آن شخص در قبال همان دین یا خسارت باشد، نخواهد بود (Civil Liability (Contribution) (Act 1978, s3).

-
1. cause of action
 2. *Kendall v Hamilton*
 3. obvious members
 4. wealthy dormant partner
 5. *Kendall v Hamilton*



درخصوص مسؤولیت هزینه‌ها و مخارج^۱ در پرونده‌ای^۲ اظهار شد اگر عمل تقصیرآمیز از سوی یک شریک یا شرکا در طی جریان امور^۳ بوده، مسؤولیت شریک دیگر به خاطر آن شریک یا شرکا افزایش نمی‌یابد.

نوع دیگر موسوم به مشارکت محدود^۴ دارای دو دسته شریک، و مسؤولیت شرکای عادی^۵ به صورت تضامنی، و مسؤولیت شرکای محدود^۶ تامیزان آورده و سرمایه گذاری ایشان است (Article 4.1907 Act). سرانجام نوع دیگر مشارکت یعنی مشارکت بامسؤولیت محدود^۷ دارای شخصیت حقوقی و مسؤولیت این نوع نیز به میزان سرمایه خود مشارکت است (Article 1, 2000 Act) و می‌توان گفت در قسم اخیر خودمشارکت که یک شخص محسوب می‌شود در قبال دیون و تعهدات، مسؤولیت دارد نه شرکا. این قسم مشارکت از لحاظ تأثیر چیزی مابین شرکا و پارتنرشپ محسوب می‌شود (Morse, 2015, P.2).

بررسی احکام مشارکت عادی-چون شرکا مسؤولیت نامحدود دارند- از بحث ماخارج است، اما احکام دو قسم دیگر (مشارکت محدود و مشارکت بامسؤولیت محدود) می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد چراکه در این اقسام مشارکت، مسؤولیت شرکا در قبال اشخاص ثالث ممکن است محدود شود.

استفاده از احکام مشارکت (پارنرشپ)، برای نیل به هدف تحدید مسؤولیت در دو قسمت قابل بحث است: یکی استفاده از احکام مشارکت محدود و دیگری استفاده از احکام مشارکت بامسؤولیت محدود در حقوق ایران.

1. Liability for costs
2. *Ontario Realty Corporation v Gabriele & Sons Ltd*
3. proceedings
4. limited partnership
5. general partners
6. limited partners
7. limited liability partnership

لازم به ذکر است هرکدام از راه‌حلهای فوق، خود به دو شکل قابل اعمال در حقوق ایران است: یکی اینکه نهادهای حقوقی مشابه مشارکت درحقوق انگلیس، درحقوق ایران نیز به مثابه نهادی مستقل به رسمیت شناخته شود و مورد استفاده قرار گیرد که چنانکه توضیح خواهیم داد این امر با موازین شرع و قانون اساسی نیز منافات ندارد و چنین تأسیس حقوقی می‌تواند در صورت تصویب قانون برای فعالیتهای اقتصادی مورد استفاده قرارگیرد. در این صورت نیازی به شناسایی احکام جدید برای شرکت مدنی در حقوق ایران نیست، بلکه اشخاص می‌توانند با توجه به تفاوتی که از نظر مسؤلیت بین نهادهای شرکت مدنی، شرکت تجاری و نیز نهاد مشارکت وجود دارد و فراخور نیازها و اهداف خود یکی را انتخاب و فعالیت اقتصادی خود را در یکی از این قالبها ساماندهی کنند. راه دوم استفاده از احکام این نهادهای حقوقی درحقوق ایران بدون تأسیس نهاد مستقل پارتنرشپ است. یعنی از مزایای این نهاد (از جمله تحدید مسؤلیت) در حقوق داخلی بهره گرفته شود بدون این که چنین نهاد حقوقی جدیدی تأسیس گردد. بدین منظور می‌بایست از احکام نهاد پارتنرشپ، در نهادهای حقوقی موجود استفاده شود و از آنجا که درحقوق ایران شرکت مدنی شبیه‌ترین نهاد به مشارکت (پارتنرشپ) است، می‌توان از احکام نهاد پارتنرشپ و از جمله تحدید مسؤلیت شرکا، در شرکت مدنی استفاده کرد.

۴-۱. استفاده از احکام مشارکت (پارتنرشپ) محدود درحقوق ایران

در مشارکت محدود دودسته شریک وجود دارد: شرکای عادی بامسؤلیت نامحدود و تضامنی، و شرکای محدود که در حدود آورده خود مسؤلیت دارند. تعیین عادی یا محدود بودن شریک در ابتدا و باتوافق بین شرکا صورت می‌گیرد. ثبت مشارکت محدود الزامی است و اشخاص ثالث می‌توانند از موارد فوق مطلع شوند



(Articles 4 & 8, Limited Partnership Act 1907). این نوع مشارکت اکنون بیشتر برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری پرخطر^۱ مورد استفاده قرار می‌گیرد (Morse, 2015, P.299). اکثر قوانین قابل اعمال نسبت به پارتنرشپیپ عمومی نسبت به پارتنرشپیپ محدود هم اعمال می‌شود، مگر در مواردی که قانون مشارکت محدود ۱۹۰۷ به نحو مغایر پیش بینی کند (Ibid, p.300). در انگلیس پارتنرشپیپ محدود، شخصیت حقوقی ندارد و شرکای عمومی^۲ دقیقاً در وضعیت شرکای معمولی^۳ هستند (Farwell J در Barnard [1932] Ch 269).

در این نوع مشارکت دو مزیت توأمان مورد استفاده قرار گرفته: از یک سو برای شرکایی که بیم در معرض مسؤولیت نامحدود قرار گرفتن آنها را تهدید می‌کند، امکان تحدید مسؤولیت تا حد آورده‌ایشان پیش بینی شده و از جهت دیگر برای اشخاص ثالثی که می‌خواهند طرف معامله قرار گیرند و بیم این دارند در صورت به بار آمدن بدهی، به تمام طلب خود نرسند، پیش بینی شده شرکای عادی که اداره کننده مشارکت هستند، دارای مسؤولیت تضامنی باشند و پرداخت کلیه دیون را از دارایی‌های شخصی خود تقبل کنند (Article 4 of limited partnership 1907). به نظر می‌رسد امکان استفاده از هر کدام از دو مزیت فوق در شرکت مدنی وجود دارد.

در باب تحدید مسؤولیت شرکایی که تمایل ندارند مسؤولیت زاید بر سرمایه داشته باشند، چنانکه گفتیم تحدید مسؤولیت طبق حقوق ایران قابل پذیرش است، لذا ممکن است برخی شرکای شرکت مدنی دست به این تحدید مسؤولیت زنند. البته این

1. venture capital projects
2. general
3. ordinary partners

محدودسازی مسئولیت منوط به توافق با اشخاص ثالثی است که طرف معاملات قرار می‌گیرند.

همچنین ممکن است فقط عده‌ای از شرکا مسئولیت محدود را برگزینند و عده دیگر، مسئولیت نامحدود داشته باشند که تضمین کننده پرداخت طلب طلبکاران باشد. بنابراین در اینجا نیز با مشکلی مواجه نیستیم، ولی باید توجه داشت مسئولیت نامحدود به دوشکل نسبی و تضامنی قابل تصور است. در حقوق ایران مسئولیت نامحدود شرکا در شرکت مدنی اصولاً به نسبت سرمایه یعنی مسئولیت نسبی است، در حالی که در حقوق انگلیس، مسئولیت شرکای عادی در مشارکت محدود، به صورت تضامنی در نظر گرفته شده است. این که آیا در حقوق ایران نیز می‌توان مسئولیت شرکا را افزایش داد و به مسئولیت تضامنی تبدیل کرد یا خیر خارج از موضوع مقاله حاضر است و می‌تواند موضوع تحقیقات دیگری باشد، هرچند از نظر تحلیلی این مسئولیت نامحدود، به هر دو شکل نسبی و تضامنی قابل تصور است.

در حقوق انگلیس در مشارکت محدود، امکان تحدید مسئولیت تمام شرکا پیش‌بینی نشده و در هر حال باید شریک یا شرکای عادی وجود داشته باشند که مسئولیت دیون مازاد را اذداری خود برعهده گیرند اما در حقوق ایران چنانچه کلیه شرکای شرکت مدنی بر محدودیت مسئولیت خود با اشخاص ثالث توافق کنند، این توافق معتبر و صحیح است (رجوع به شماره های ۱-۳ و ۲-۳ همین مقاله). البته در این مورد نیز نمی‌توان در مسئولیتهای خارج از قرارداد به تحدید مسئولیت استناد کرد؛ زیرا توافقی با اشخاص ثالث (زیان‌دیدگان) وجود نداشته و با توجه به عدم شخصیت حقوقی شرکت مدنی، بحث از مسئولیت، چیزی جز مسئولیت اعضا (شرکا) در برابر ثالث نیست که آن هم در صورت عدم توافق به نحو مغایر، علی‌القاعده به صورت مسئولیت نامحدود خواهد بود؛ بنابراین در صورت ورود خسارت، شرکا دارای مسئولیت نامحدود در برابر خسارت دیدگان هستند.



جدا از بهره‌گیری احکام مشارکت محدود در شرکت مدنی، امکان شناسایی مستقل نهاد مشارکت محدود در حقوق ایران وجود دارد و از این طریق هم می‌توان از مزیت‌هایی چون تحدید مسؤولیت (برای شرکای موسوم به شرکای محدود) استفاده کرد. در بحث از مزیت‌های این امر، به بررسی ایجاد مستقل نهاد مشارکت در مقاسه با استفاده از احکام آن در شرکت مدنی می‌پردازیم.

۲-۴. استفاده از احکام مشارکت (پارتنرشپیپ) بامسؤولیت محدود در حقوق

ایران

این نوع مشارکت از سال ۲۰۰۰ در انگلیس به رسمیت شناخته و به ایجاد نوع جدیدی از پارتنرشپیپ منجر شده که برخلاف انواع دیگر، دارای شخصیت حقوقی جداگانه است و مسؤولیتش در برابر دیون و تعهداتش، محدود به سرمایه خودش است (s1, Limited Liability Partnership Act 2000). این نهاد حقوقی می‌تواند جایگزینی برای مشارکت، مشارکت محدود و شرکت سهامی خاص^۱ باشد. مشارکت بامسؤولیت محدود اصولاً بر حقوق شرکتها مبتنی است و ضمناً با پارتنرشپیپ دارای ارتباط است (از جمله تصفیه آن طبق مقررات شخص حقوقی صورت گیرد (*Re Magi Capital Partners* [2003] EWHC 2790). مشارکت با مسؤولیت محدود نه فقط جایگزینی برای پارتنرشپیپ، که برای شرکت خاص نیز هست و می‌تواند ابزاری برای جوینت ونچر باشد. (Morse, 2015, p.315). طبق بخش ۱ قانون مشارکت با مسؤولیت محدود این نوع پارتنرشپیپ دارای شخصیت حقوقی -یعنی شخصیت مستقل از اعضایش- است (*BFI Optilas v Blyth* [2002] EWHC 2693, QBD). طبق اصول کلی به تنهایی مسؤول دیونش است، و مثل یک شرکت خودش طرف قرارداد، واقع می‌شود و می

1. private company

تواند به نیابت، مسؤل اعمال نمایندگانش باشد. مشارکت بامسؤولیت محدود مثل شرکای فعالیت کننده در یک پارتنرشپ سنتی دارای اهلیت نامحدود است. مشارکت با مسؤولیت محدود می تواند عضو یک شرکت باشد یا شریک پارتنرشپ باشد که شامل شریک عمومی نیز می شود.^۱ آنچه بزرگترین مزیتها را برای این نوع مشارکت نسبت به پارتنرشپ سنتی ایجاد می کند، شخصیت حقوقی است، اگرچه درازای دریافت این مزیت، مشارکتهای بامسؤولیت محدود ملزم به افشای حسابهایشان هستند؛ چراکه مشارکت با مسؤولیت محدود برخلاف مشارکت عادی باید حسابهایش را به ثبت بدهد که در این صورت قابل واریسی خواهد بود (Morse, 2015, p.333).

اصولاً اعضاء مسؤولیتی نسبت به دیون یا مسؤولیتهای مشارکت بامسؤولیت محدود ندارند مگر در موارد استثنا. اما این امر اعضا را از هرگونه مسؤولیت شخصی (مثلاً به عنوان خطاکار) معاف نمی کند.^۲

استفاده از احکام این نهاد در حقوق ایران از دو طریق امکانپذیر است: یک راه به رسمیت شناختن و پذیرش این نهاد به عنوان یکی از اقسام مشارکت در حقوق ایران است. چنانکه گفته شد ایجاد نهاد مشارکت باموازیں حقوقی ایران سازگار است و مغایرتی با قواعد آمره ندارد و می تواند به سان قالبی برای سامان بخشیدن به فعالیت های اقتصادی استفاده شود. از بین انواع مشارکت، نوع با مسؤولیت محدود برای شرکا امکان انباشت سرمایه های تک تک شرکا را در کنار مزیت تحدید مسؤولیت و نیز قابلیت ها و ویژگی های دیگری در مقایسه با نهاد شرکت، مانند شفافیت مالیاتی (در نظر گرفتن آن به عنوان بخشی از دارایی شرکا که در نتیجه از آن مالیات

1. *Patley Wood Farm LLP v Brake* [2013] EWHC 4035 (Ch).

2. *Williams v Natural Life Health Foods Ltd*؛ *Standard Chartered Bank v Pakistan National Shipping Co (No 2)* [2002] BCC 846 (HC).



مستقل اخذ نمی‌شود)، الزامات و تشریفات قانونی مخصوص خود، حداقل تعداد شرکا و حداقل میزان سرمایه و غیره فراهم می‌کند.

راه دوم اینکه بدون ایجاد نهاد مشارکت بامسؤولیت محدود در حقوق ایران، از احکام آن و از جمله تحدید مسؤولیت در حقوق ایران استفاده شود.

در مشارکت بامسؤولیت محدود، نکته اساسی داشتن شخصیت حقوقی است که همین امر منجر شده مسؤولیت این شخص به میزان سرمایه خودش باشد و به داراییهای شخصی شرکا مراجعه نشود. از این طریق می‌توان به تحدید مسؤولیت شرکا دست یافت. در حقوق ایران - که شرکت مدنی فاقد شخصیت حقوقی است - می‌توان به نوعی از شرکت مدنی اندیشید که دارای شخصیت حقوقی و مسؤولیت آن نیز به میزان سرمایه و دارایی خودش و در سایر موارد تابع قواعد و مقررات مربوط به شرکت‌های مدنی باشد بدون اینکه احکام شرکت‌های تجاری، حاکم بر این نهاد شود. گفتنی است در حقوق فعلی برخی برای شرکت مدنی قائل به شخصیت حقوقی شده (صفار، ۱۳۹۰، ص ۲۰۰-۱۹۷) یا از عدم شخصیت حقوقی آن انتقاد کرده‌اند (اسکینی، ۱۳۹۳، ص ۴۲) بی آنکه سخن از تحدید مسؤولیت شرکا مطرح باشد.

اگرچنین امکانی در حقوق ایران پذیرفته شود، شرکت مدنی ایجاد شده در عمل تفاوت چندانی با مشارکت بامسؤولیت محدود در حقوق انگلیس ندارد، هرچند ممکن است نام آن، همان شرکت مدنی، یا مشارکت مدنی و یا مشارکت مدنی بامسؤولیت محدود گذاشته شود. در نتیجه استفاده از مزایای مشارکت با مسؤولیت محدود در حقوق ایران، چه با ایجاد این نهاد حقوقی باشد و چه با استفاده از احکام آن در شرکت مدنی، در عمل تفاوت چندانی ندارد.

۳-۴. مزایا و قابلیت‌های تأسیس نهاد مشارکت (پارتنرشپ) در مقایسه با تحدیدمسئولیت در شرکت مدنی

استفاده از احکام مشارکت، امکان بهره‌مندی از مزایای این تأسیس حقوقی را فراهم می‌کند. مزایای مترتب بر این نهاد حقوقی متعدد است؛ مزایا و قابلیت‌هایی به لحاظ کارکرد مالیاتی، حداقل سرمایه، حداقل تعداد شرکا، تشریفات تشکیل و ثبت، مسئولیت شرکا و مانند آن. در این مقاله فقط مزیت تحدیدمسئولیت شرکا نسبت به اشخاص ثالث موردنظر است و در این خصوص به مقایسه قابلیت‌های تحدیدمسئولیت در قالب مشارکت در مقایسه با انجام این امر در شرکت مدنی می‌پردازیم.

۳-۴-۱. عدم لزوم توافق با اشخاص ثالث و امکان استفاده در مسئولیت‌های قهری

۳-۴-۱-۱. عدم لزوم توافق با اشخاص ثالث

مزیتی که در ایجاد نهاد مشارکت در مقایسه با تحدیدمسئولیت در شرکت مدنی وجود دارد این است که با توجه به لزوم ثبت مشارکت محدود و نیز برخورداری مشارکت بامسئولیت محدود از شخصیت حقوقی، اشخاص ثالث، آگاه از تحدیدمسئولیت فرض خواهند شد و بنابراین برخلاف تحدیدمسئولیت در شرکت مدنی، در مشارکت، شرکا از توافقات صریح موردی بی‌نیاز می‌شوند و فقط کافی است در ابتدای تشکیل و هنگام ثبت، به محدود بودن مسئولیت خود در برابر اشخاص ثالث تصریح کنند. در مشارکت بامسئولیت محدود به علت شخصیت حقوقی مستقل، حتی نیازی به تصریح وجود ندارد و تحدیدمسئولیت در ذات آن وجود دارد.

۳-۴-۲. امکان استفاده در مسئولیت‌های قهری

مشارکت بامسئولیت محدود به دلیل برخورداری از شخصیت حقوقی جداگانه، مسئولیت تمامی دیون را در برابر اشخاص ثالث برعهده دارد. در نتیجه درمسئولیت-



های خارج از قرارداد نیز اگر خساراتی به بار آید، شخص مشارکت بامسؤولیت محدود عهده دار جبران خسارت است و شرکا در این میان مسؤولیتی ندارند. در حالیکه در شرکت مدنی (به فرض تحدید مسؤولیت) چنین امکانی فراهم نیست. بنابراین استفاده از قالب مشارکت بامسؤولیت محدود، در مقایسه با تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی، تضمین، تأمین و آسودگی خاطر بیشتری برای شرکا فراهم می‌سازد و بیشتر به نفع آنهاست لذا ممکن است در ترغیب ایشان به سرمایه‌گذاری برای فعالیت‌های اقتصادی، مؤثرتر و کارا تر باشد.

در مشارکت محدود هم، چنانچه از امری خارج از قرارداد، زیانی وارد شود، اگر این زیان قابل انتساب به یک شریک خاص نباشد بلکه بتوان آن را به مجموع شرکای پارتنرشپی منتسب دانست؛ به علت وجود شرکای عادی بامسؤولیت نامحدود، همین دسته از شرکا مسؤولیت مازاد بر سرمایه را بر عهده دارند و شرکای محدود مسؤولیتی زاید بر آورده نخواهند داشت. در عمل هم همیشه شرکای عادی اداره امور را در دست دارند و ورود خسارت قابل انتساب به آنهاست. پس در مشارکت محدود از مزیت تحدید مسؤولیت برای شرکای محدود در الزامات خارج از قرارداد نیز می‌توان بهره‌مند شد^۱، در حالی که در تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی این امکان فراهم نیست.

۲-۳-۴. فراهم نمودن پاسخ مناسب برای نیازهای شرکابا انگیزه‌های مختلف و نیز

تأمین و تضمین برای اشخاص ثالث

یکی از مزایای تحدید مسؤولیت با ایجاد نهاد مشارکت محدود، فراهم ساختن زمینه مشارکت کردن دودسته شریک با اهداف متفاوت در فعالیت اقتصادی است. از یک سو برای شرکایی که خواهان خطر کمتر در معامله هستند زمینه سرمایه‌گذاری

۱. برای مشاهده دیدگاه متفاوت رجوع شود به شماره ۴-۴-۲ همین مقاله.

بامسئولیتی در حدود آورده فراهم می‌شود و نیز برای شرکای فعالتر که اداره امور را در دست می‌گیرند مسئولیت نامحدود در نظر گرفته می‌شود و از این طریق مزیت دیگر یعنی تضمین بیشتر برای طرفهای معامله و اشخاص ثالث، تأمین می‌شود.

۳-۳-۴. عدم مغایرت باموازین شرع و قانون اساسی

تحدیدمسئولیت شرکا با تأسیس نهاد پارتنرشپ در صورتی که همراه با سوء نیت، قصد فریب و نیرنگ و تعمد در اضرار به سایرین نباشد، باموازین شرع و قانون اساسی، همچنین با قواعد امری و الزامات نظم عمومی و اخلاق حسنه منافات و مغایرتی ندارد و لذا پذیرش آن در حقوق ایران بلاشکال است. در بخش پیشین در این باره توضیح داده شد.

۴-۳-۴. قابلیت پذیرش در حقوق ایران به عنوان نهاد حقوقی جدید

نهاد مشارکت در حقوق انگلیس برای امور اقتصادی، کسب درآمد و ایجاد رونق به عنوان یک قالب سرمایه‌گذاری و همکاری اشخاص با یکدیگر در کنار راه‌های دیگر مانند تجارت انفرادی و تجارت در قالب شرکت‌ها به کار می‌رود. این نهاد حقوقی بنفسه قابلیت پذیرش در حقوق ایران به عنوان راهکاری جهت سرمایه‌گذاری دارد؛ بنابراین می‌توان از احکام مربوط به این نهاد حقوقی در حقوق ایران نیز با رعایت جنبه‌های الزام آور و آمرانه، استفاده کرد.

۴-۴. محدودیتها

۴-۴-۱. لزوم رعایت قواعد آمره، موازین شرع و قانون اساسی

در تحدیدمسئولیت، الزامات ناشی از قواعد آمره و مرتبط بانظم عمومی و موازین قانون اساسی باید مراعات شود. در اصل چهارم قانون اساسی به لزوم انطباق کلیه قوانین و مقررات کشور باموازین اسلامی تأکید شده است. بنابراین اگر مصوبه



مجلس شورای اسلامی، تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی ویا ایجاد نهاد حقوقی جدید مشارکت را به تأسی از حقوق انگلیس تجویز کند الزامات شرع باید رعایت شود. البته به اعتقاد ما تحدید مسؤولیت در شرکت مدنی یا ایجاد نهاد مشارکت (پارتنرشپ)، منافاتی با فقه اسلامی وقانون اساسی ندارد وتابع قواعدعمومی واحکام کلی تحدید مسؤولیت است. پیشتر به استفتائاتی از فقهای معاصر در این زمینه اشاره شد. تنها در صورتی که این تحدید مسؤولیت دستاویزی جهت کلاهبرداری، نیرنگ، تدلیس وفریب و عاملی جهت اضرار عمدی به دیگران باشد به موجب قواعد عمومی و اخلاق حاکم بر معاملات وروابط حقوقی اشخاص (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵)، منع اکل مال غیر به باطل (آیه ۱۸۸/بقره؛ آیه ۲۹/نساء) وداراشدن بلاجهت وغیر عادلانه (مواد ۲۵۶، ۳۰۱، ۳۰۲ و ۳۳۶ ق.م؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳ به بعد) واصل منع سوء استفاده از حق (اصل چهارم ق.ا.ج.ا، ماده ۱۳۲ ق.م؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۵، ص ۸۶) ممنوع است و نمی تواند منشأ اثر شود. در نتیجه توافق در چنین مواردی باطل وبلااثر است.

۴-۲. عدم امکان تحدید مسؤولیت در ضمان قهری چنانچه مشارکت (پارتنرشپ) فاقد شخصیت حقوقی باشد

در مسؤولیت های خارج از قرارداد چون با طرف مقابل توافقی صورت نپذیرفته، تحدید مسؤولیت منتفی است و عامل زیان باید مطابق قواعد کلی مسؤولیت مدنی واصل جبران کامل خسارت، زیان را جبران کند؛ لذا اگر در خلال کار اقتصادی مشارکت (پارتنرشپ) حادثه ای رخ دهد وزیانی به شخص ثالثی وارد شود که قابل انتساب به مجموع شرکا باشد، شرکای مذکور مکلف به جبران تمام خسارت وارد شده-حسب مورد به تناسب نقش خود در ورود زیان، به تساوی، به تضامن و غیره- هستند و نمی توانند در برابر زیان دیده به تحدید مسؤولیت خود استناد کنند. اگرچه قائل شدن به

مسئولیت محدود برای شرکای محدود با توجه به توضیحاتی که در بخش قبل دادیم خالی از قوت نیست مخصوصاً با عنایت به اینکه این شرکا در اداره امور مداخله ندارند حتی با معیار قابلیت انتساب در مسئولیت مدنی، به دشواری می‌توان زیان را به ایشان نسبت داد.

تحلیل فوق در فرضی است که جمع حاضر برای فعالیتهای اقتصادی، فاقد شخصیت حقوقی مستقل از شرکای تشکیل دهنده باشد، اما چنانچه چنین جمعی دارای شخصیت حقوقی باشد (مانند مشارکت با مسئولیت محدود)، و از فعالیتهایش به سایرین زیانی وارد آید که بتوان این زیان را به شخص مذکور منتسب کرد، مسئولیت نیز برعهده همین شخص حقوقی مستقر خواهد شد. اگرچه از لحاظ تحلیلی طبق قواعد کلی، عامل زیان مکلف به جبران تمام خسارت است و در این باب مسئولیت نامحدود دارد؛ اما اگر شخص اخیر به علت فقدان یا عدم کفایت دارایی نتواند تمام خسارت را جبران کند، نمی‌توان مسئولیت او را برعهده دیگران نهاد، چون این امر نیز خلاف قواعد و ضوابط است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۴۱). بنابراین چنین فرضی شبیه موردی است که شخص طبیعی به دیگری زیانی وارد کرده اما به علت ورشکستگی یا اعسار، امکان جبران تمام خسارت را ندارد.

در مشارکت با مسئولیت محدود می‌توان گفت شرکا تنها تاحد آورده خود ممکن است به علت مسئولیتهای خارج از قرارداد، متضرر شوند نه بیش از آن. پس می‌توان گفت در مشارکتهای واجد شخصیت حقوقی، شرکا در الزامات خارج از قرارداد نیز دارای مزیت مسئولیت محدود به میزان آورده هستند.

۵. نتیجه گیری

در شرکت مدنی مشهور فقها معتقدند تقسیم سود و زیان باید به نسبت سرمایه شرکا انجام شود. همین دیدگاه در قانون مدنی ایران انعکاس یافته است. در این زمینه مسائلی قابل بررسی است: اولاً آیا امکان توافق شرکا برخلاف آن وجود دارد؟ ثانیاً



آیا قاعده تقسیم زیان به نسبت سرمایه، شامل مسؤولیت درقبال اشخاص ثالث نیز می‌شود یا تنها به زیان ناشی از معاملات شرکا مربوط است؟ اگر پاسخ این پرسشها مثبت باشد، پرسش سوم مطرح می‌شود: آیا توافق بر نحوه دیگری از تقسیم مسؤولیت بین شرکا، فقط به روابط میان شرکا با هم مربوط می‌شود یا در برابر اشخاص ثالث نیز قابل استناد است؟ و پرسش چهارم اینکه آیا می‌توان به کلی مسؤولیت مجموع شرکا را در برابر اشخاص ثالث با توافق ایشان محدود کرد یا خیر؟ در مورد نخست به این نتیجه رسیدیم تقسیم سود و زیان به نسبت سرمایه در صورتی اعمال می‌شود که توافق مغایری در بین نباشد و نظر مشهور فقهی نیز مورد اطلاق قرارداد را بیان کرده است و اگر مغایر قواعد آمره (مانند منع اکل مال غیر به باطل) نباشد شرکا می‌توانند نحوه تقسیم سود و زیان را آن طور که مورد نظر خودشان است قرار دهند. در مورد دوم اصولاً مسؤولیت در برابر ثالث نوعی زیان محسوب می‌شود و در نتیجه تقسیم این مسؤولیت نیز در صورت اطلاق، باید به نسبت سرمایه شرکا صورت گیرد. در مورد پرسش سوم، این نتیجه حاصل شد که شرکا در خصوص نحوه تقسیم مسؤولیت در برابر ثالث می‌توانند با خود توافق کنند این مسؤولیت به نحو دیگری تقسیم شود اگرچه این توافق بنا به اصل نسبی بودن قراردادها صرفاً بین خود شرکا معتبر و قابل استناد است ولی در صورت توافق شرکا با اشخاص ثالث، امکان استناد به قرارداد در برابر ایشان نیز وجود دارد؛ چون به دلیل عدم شخصیت حقوقی شرکت مدنی، تحدید مسؤولیت شرکا مشمول قواعد عمومی مربوط به تحدید مسؤولیت اشخاص در قبال اشخاص ثالث است، پس پاسخ پرسش چهارم نیز مشخص می‌شود که شرکا می‌توانند با توافق با اشخاص ثالث به کلی مسؤولیت نامحدود خود را تبدیل به مسؤولیتی محدود مثلاً در حدود سرمایه آورده یا مبلغی بیشتری را کم‌تر از آن کنند که این مورد در برابر ثالث نیز قابل استناد است. چنان‌که در بخش ۳-۱ این مقاله گفته شد برخی از فقهای معاصر (حضرات

آیات موسوی اردبیلی، مکارم شیرازی و شبیری زنجانی) چنین نظری دارند؛ البته باید توجه داشت برای نیل به این هدف، توافق با اشخاص ثالث ضروری است و لزوم این توافق ممکن است چالشی برسر راه شرکا در زمینه تحدیدمسئولیت تلقی شود.

البته محدودیتهای دیگری هم در برابر شرکا وجود دارد از جمله اینکه علاوه بر مواردی که در مسؤولیتهای قراردادی با ثالث توافق نشده است، درضمان قهری و الزامات خارج از قرارداد نیز نمی توان به چنین توافقی معتقد بود و در نتیجه تحدید مسؤولیت بی معناست.

برای رفع این چالشها استفاده از مقررات نهاد مشارکت در انگلیس (مشارکت محدود یا مشارکت بامسؤولیت محدود)، درحقوق ایران پیشنهاد شد. این امر هم می-تواند با رسمیت بخشیدن به نهادهای یادشده درحقوق ایران و وارد ساختن آن درحقوق داخلی باشد که با قواعد امری قانون اساسی و به تبع آن موازین شرع نیز منافاتی ندارد و هم می‌توان از احکام آن در شرکت مدنی برای دستیابی به اهداف مذکور استفاده کرد. اگر امکان استفاده از این قابلیتها فراهم شود با توجه به اینکه مشارکت بامسؤولیت محدود دارای شخصیت حقوقی مستقل و مسؤولیت این شخص در برابر اشخاص ثالث (چه مسؤولیت قراردادی و چه خارج از قرارداد) محدود به داراییهای این شخص است و شرکا، افزون بر میزان سرمایه‌گذاری خود، مسؤولیتی ندارند؛ می‌توان از مزیت تحدید مسؤولیت در الزامات خارج از قرارداد نیز بهره‌مند شد. در مشارکت محدود نیز مسؤولیت نامحدود برعهده شرکای عادی است و شرکای محدود از این مزیت برخوردار خواهند بود.

جدای از آن مزایای دیگری نیز بر استفاده از احکام نهاد مشارکت (پارتنرشپ) مترتب است؛ چنانکه می‌توان با رسمیت بخشیدن به مشارکت محدود دو دسته شریک در شرکت مدنی در نظر گرفت و مسؤولیت عدهای که خواهان خطر کمتر هستند، محدود به آورده و سرمایه و مسؤولیت دسته دیگر که خواهان مدیریت و مداخله در مدیریت هستند، به صورت نامحدود باشد. از این طریق هم تضمینی برای شرکای



سرمایه‌گذار فراهم می‌شود و هم تضمین و تأمین برای اشخاص ثالثی که قرار است طرف معامله قرار بگیرند.

استفاده از این قابلیت‌ها و دستاوردها در حقوق ایران می‌تواند در افزایش انگیزه اشخاص برای مشارکت بایکدیگر و سرمایه‌گذاری مشترک به منظور انجام فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد رونق کسب و کار و اکتساب درآمد مؤثر باشد و بستر حقوقی مناسب را برای این منظور فراهم سازد. البته در این صورت این نهاد کارکردهای خاص خود و متفاوت با سایر قالب‌های کسب و کار مثل تاجر منفرد و شرکت مدنی خواهد داشت. اولاً؛ شرکت‌های مدنی می‌توانند به امور تجاری و نیز غیرتجاری بپردازند در حالی که برای شرکت‌های تجاری به جز سهامی عام و خاص، این امر مجاز نیست، ثانیاً؛ پارتنرشپی با مسؤولیت محدود از جهاتی مثل شفافیت مالیاتی و غیره (که به آن اشاره شد)، کارکردهایی متفاوت با شرکت در حقوق انگلیس دارد و نیز در صورت ایجاد در حقوق ایران و پذیرش این قابلیت‌های خاص؛ آثار آن با شرکت تجاری متفاوت است، ثالثاً؛ سازوکارهای اعمال اراده در این نهاد حقوقی می‌تواند با شرکتها متفاوت باشد، مسائل دیگری نیز در این زمینه مطرح می‌شود مثل تفاوت در مسؤولیت اعضا (شرکا)، تفاوت در میزان سرمایه مورد نیاز، الزام به افشای حسابها، نحوه تشکیل، نحوه محاسبه مالیات و غیره که بررسی آن تحقیقات مفصلتر می‌طلبد. با این حال نمی‌توان انکار کرد مشابهت مشارکت با مسؤولیت محدود با نهاد شرکت تجاری در حقوق ایران و نیز نهاد شرکت در حقوق انگلیس بسیار زیاد است.

۶. منابع

۱-۶. فارسی

۱. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، شرکتهای تجاری، ج ۱، چ ۱۹، تهران، سمت، بهار ۱۳۹۳.
۲. امامی، سیدحسین، حقوق مدنی، ج ۲، چ ۲۵، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۹۳.
۳. بهرامی احمدی، حمید، سوءاستفاده از حق، چ ۴، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۵.
۴. بهرامی احمدی، حمید، حقوق مدنی ۳ کلیات عقود و قراردادهای، چ ۲، تهران، میزان، ۱۳۸۶.
۵. بهرامی احمدی، حمید، حقوق مدنی ۴ مسؤولیت مدنی، چ ۱، تهران، میزان، ۱۳۸۸.
۶. بهرامی احمدی، حمید، قواعدفقہ مختصر هفتاد و هفت قاعده فقهی حقوقی، چ ۲، تهران، میزان، ۱۳۹۰.
۷. صفایی، سیدحسین و سیدمرتضی قاسم زاده، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، چ ۲۲، تهران، سمت، پاییز ۱۳۹۵.
۸. صفار، محمدجواد، شخصیت حقوقی، تهران، بهنامی، ۱۳۹۰.
۹. عیسائی نفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، ج ۱، چ ۳، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۶.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، عقود معین ۲ حقوق مدنی مشارکتهای-صلح، چ ۴، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ ۳۶، ویرایش ۴، تهران، میزان، تابستان ۱۳۹۲.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی درسهایی از عقود معین، ج ۱، چ ۱۳، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۹.



۶-۲. عربی

۱۳. شهیدثانی، *الروضه البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه* (مباحث حقوقی شرح لمعه به کوشش اسدالله لطفی)، چ ۶، تهران، مجد، ۱۳۸۸.
۱۴. شهیدثانی، *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*، چاپ رحلی، بی تا.
۱۵. شهید ثانی (زین الدین بن علی عاملی)، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، ج ۴، چ ۱، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۱۶. صاحب جواهر (محمدحسن نجفی)، *جواهرالكلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۲۶، چ ۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
۱۷. صاحب جواهر (محمدحسن نجفی)، *جواهرالكلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۲۷، چ ۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
۱۸. صاحب ریاض (سیدعلی بن محمد طباطبایی)، *ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل (ط - الحدیثه)*، چ ۱، ج ۹، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۸ق.
۱۹. علامه حلی (حسن بن یوسف بن مطهر اسدی)، *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*، ج ۲، چ ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۲۰. علامه حلی، *تذکره الفقهاء (حسن بن یوسف بن مطهر اسدی)*، ج ۱۶، چ ۱، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ق.
۲۱. محقق حلی، *شرایع الاسلام*، طهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۷۷ق.
۲۲. عاملی کرکی (محقق ثانی)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، ج ۸، چ ۲، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ق.
۲۳. موسوی اردبیلی، *سیدعبدالکریم، فقه الشریکه علی نهج الفقه و القانون*، چ ۱، قم، منشورات مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۴۱۴ق.

۲۴. نائینی، میرزا محمدحسین، *منیه الطالب فی شرح المكاسب (تقریرات به قلم شیخ موسی خوانساری)*، ج ۲، مکتبه المحمدی، ۱۳۷۳ق.
۲۵. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، *العروه الوثقی، صیدا، مطبعه العرفان*، ۱۳۴۸ق.
۲۶. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، *العروه الوثقی*، ج ۲، چ ۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.

۳-۶. انگلیسی

Book

27. Morse, Geoffrey, *Partnership and LLP Law*, (8th edn), Oxford University Press, 2015.

Acts

28. Partnership Act 1890
29. limited partnership Act 1907
30. Civil Liability (Contribution) Act 1978
31. limited liability partnership Act 2000
32. *Reform of Partnership Law: The Economic Impact*, April 2004 (available at: www.dti.gov.uk/cld/reformofpartnershiplaw.pdf)

Cases

- 35.34. *Dollar Land Ltd v. CIN Properties Ltd* 1996 SLT 186, CS (OH). *Rowlands v Hodson* [2009] EWCA 1025
36. *Barnard, Re* [1932] Ch 269
37. *Re Magi Capital Partners LLP*, Oxford University Press, [2003] EWHC (High Court of England and Wales) 2790.
38. *Patley Wood Farm LLP v Brake* [2013] EWHC 4035 (Ch).
39. *BFI Optilas v Blyth* [2002] EWHC 2693, QBD
40. *Williams v Natural Life Health Foods Ltd*
41. *Standard Chartered Bank v Pakistan National Shipping Co (No 2)* [2002] BCC 846 (HC).